هفته نامهٔ
مجاهد
وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم
ارگان نشراتي جمعیت اسلامي افغانستان

سرمقاله

فساد اداری، لکهٔ ننگی بر دامن دولت افغانستان
ص۲

ملامنصور تقلبی چگونه به ارگ راه یافت؟
ص۳

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ سی ام ۱۳ قوس ۱۳۸۹ ۲۷ ذوالحجه ۱۴۳۱ - 4December 2010

ویکی لیکس و رازهای پشت پرده



• راستی واقعا امریکا در ورطهٔ زوال افتاده که حتی توان محافظت از اسناد محرم نظامی و سیاسی خود را نیز ندارد؟ آنچه که واقع شده فقط یک تصادف است و یا اینکه توطئه یی در عقب آن پنهان است؟ در این مورد نمی توان به قاطعیت حکم کرد اما در میان صدها هزار سندی که تا کنون به نشر رسیده هیچ مطلبی که بتواند افشای سری از اسرار اسرائیل را در آن مشاهده کرد، به چشم نمی خورد.

افشای هزاران سند از روابط دیپلوماتیک امریکا با کشورهای دیگر، بار دیگر سایت انترنتی ویکی لیکس خبرساز شد. در اسناد تازه به مسایلی اشاره شده است که می تواند روابط دیپلوماتیک امریکا با کشورهای دیگر را خدشه دار سازد.

امریکا با افشای اسناد توسط ویکی لیکس به درد سر افتاده است. خبر چین های امریکا در سراسر جهان از جمله در کشور ما شاید کمتر جرئت کنند تا به صراحت با امریکایی ها سخن بگویند تا مبادا نام شان چند سال بعد در ویکی لیکس به نشر برسد.

راستی واقعا امریکا در ورطهٔ زوال افتاده که حتی توان محافظت از اسناد محرم نظامی و سیاسی خود را نیز ندارد؟ آنچه که واقع شده فقط یک تصادف است و یا اینکه توطئه یی در عقب آن پنهان است؟ در این مورد نمی توان به قاطعیت حکم کرد اما در میان صدها هزار سندی که تا کنون به نشر رسیده هیچ مطلبی که بتواند افشای سری از اسرار اسرائیل را در آن مشاهده کرد، به چشم نمی خورد.

آنچه که در رابطه با افغانستان در این اسناد آمده و در رسانه ها منعکس شده است، در مورد رئیس جمهور حامدکرزی و اطرافیان اوست. گزارش های سفارت امریکا در کابل در مورد حامدکرزی که در این اسناد
ص۲

په هیواد کې د بهرنۍ پانګونې دودې لپاره د دوبۍ کنفرانس
۵مخ



یاد آن یار سفر کرده به خیر!

* یاد استاد مشفق به خیر، مردی بود نمونه یی از مهربانی و شخصیتی بود مهرورز و صمیمی.

مردی که نام گرامیش مصداق شیوه و رفتار و کردارهمه پسندش بود. آری استاد محمد عباس مشفق ، مرد همیشه خندان، پرورۀ آب و هوای سرزمین مجاهدپرور لغمان، که پس از عمری مبارزه و پیکار مخلصانه و بی امان وزندگی فروتنامه وبی توقع از جهان مادی، سر انجام چنان از میان ما بال و پر کشید و برای همیشه از ما برید که هرگز تصورش نمی کردیم.

او رفت. آنچنان که یاران دیگری از این جمع رفتند و برنمی گردند و چیزی از خود به جای نگذاشتند، الا نام نیک وکردارنیک...!
ص۴

هشدار گروه بین المللی بحران به افغانستان
ص۳

از جانب کمیسیون مستقل انتخابات

کاندیدای پیروز ولایت غزنی در دور دوم مجلس نمایندگان اعلام شد
ص۵

ای که نامت، نام عم حضرت پیغمبر است

این مطلب به مناسبت وفات مرحوم محمد عباس مشفق، توسط محترم محمد نسیم فقیری منشی جمعیت اسلامی نوشته شده است که در شمارهٔ آینده به نشر خواهد رسید.

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر: دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، چوک دهمزنگ به استقامت سرک دارالامان، دست چپ نرسیده به هوتل کابل شاهان
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۰۲۸۵۱۳۹
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

فساد اداری،

لکهٔ ننگی بر دامن دولت افغانستان

فساد اداری پدیدهٔ شومی است که دامنگیر مردم افغانستان گردیده است. نجات از این پدیده، در شرایط فعلی، در کشوری که عمومیت پیدا کرده است، مشکل به نظر می رسد. زیرا سر نخ فساد در دست کسانیست که در رأس قرار دارند و خورد و ریز آن به زیر دستان می رسد که رفته رفته به عادت تبدیل می شود و به مرور زمان مطابق ضرب المثل مشهور « به جای پیر عصای پیر» اخذ موقع می نمایند.

فساد اداری بعد از آمدن حکومت موقت در کشور رشد بیشتری کرده، که زبانزد خارجی و داخلی است. اخیراً سازمانی به «نام شفافیت بین المللی» گزارش سالانه اش را در مورد فساد در جهان به نشر سپرد که در این راستا در ۱۸۰ کشور جهان، موقعیت افغانستان بسیار بد معرفی شده و در درجهٔ دوم قرار داشت. فقط کشور سومالی در درجهٔ اول فساد اداری بود که دلیل آن را جنگ داخلی قلمداد کرده بودند. از این گفته چنین پیداست که هرگاه مشکل جنگ داخلی در کشور سومالی نبود، شاید افغانستان حتما اول نمرگی را از آن خود می ساخت.

رشد فساد اداری و عدم جلوگیری ان باعث نگرانی کشورهایی شده که در افغانستان سرمایه گزاری کرده و پول مالیهٔ کشور شان را به منظور بازسازی و کمک به این کشور سرازیر نموده اند.

بارها شاهد بوده ایم که کشور های کمک دهنده، دولت افغانستان را تهدید کرده اند که در صورت عدم جلوگیری فساد، یک سنت نخواهیم پرداخت و هشدار داده اند که کمک های شان را قطع خواهند کرد و از رئیس جمهور کرزی خواهان مبارزهٔ جدی با فساد اداری گردیده اند.

گرچه حکومت افغانستان بارها جهت از بین بردن فساد در کشور، اقداماتی را روی دست داشته، کمیسیون ها و اداره هایی را تأسیس نموده تا به این پدیده رسیدگی نماید، اما کاری را که نتیجه ای در بر داشته و مردم را قانع سازد و انجام دهندگان این پدیدهٔ شوم را درس عبرت گردد، شاهد نبوده ایم.

دور از حقیقت نیست، یگانه عاملی که سبب رشد فساد اداری، جرایم و لجام گسیختگی و بی اعتنایی در برابر مردم، دولت و جامعه می شود، عدم تطبیق قانون است. هرگاه قانون و مقررات بالای هر شهروند طور یکسان تطبیق شود، بعید نیست که از شر این پدیدهٔ شوم نجات خواهیم یافت.

بر حکومت است تا با تطبیق قانون جلو فساد را بگیرد و نگذارد که با پر شدن جیب چند نفر معدود، اتهام جهانی، به ملت و کشور افغانستان وارد گردد و بعد حکومت در رد گراف و پیمانهٔ آن بپردازد.

فساد در افغانستان به پیمانهٔ وسیع آن وجود دارد، که از هیچ باشندهٔ این کشور و جهانیان پوشیده نمانده است. درست است که خارجی های نیز مسبب فساد در کشور اند و پول های کلان به جیب آن ها واریز می شود. به گفتهٔ آقای کرزی، این ها اند که مقام های محلی را حمایت می کنند و حکومت های موازی را ایجاد و باعث رشد فساد در کشور شده اند. اما افغانستان هم باید به سهم خویش دست بکار شود. درست است که خارجی ها هم در این عرصه دخیل اند اما به گفتهٔ ضرب المثل مشهور « چیزی کندم تر و چیزی هم آسیاب کُند» است.

ویکی لیکس و رازهای پشت پرده

وحید مژده

ادامه ای صفحهٔ اول

منعکس شده، کرزی را شخصی احساساتی که خیلی زود زیر تاثیر سخنان دیگران قرار می گیرد و با مسایل احساساتی برخورد می نماید نشان داده است.

در مورد اینکه حامد کرزی مانند هر انسان دیگر تحت تاثیر احساسات قرار می گیرد و در مواردی به خصوص بعد از کشته شدن افراد غیرنظامی حتی در برابر دوربین تلویزیون ها اشک می ریزد اختلافی وجود ندارد اما امریکایی ها از وی می خواهند که احساسات خود را پنهان کند و این کار برای آقای کرزی دشوار است. اگر هرکسی خود را به جای کرزی قرار دهد که هر روز کسانی از نقاط مختلف افغانستان نزد وی مراجعه می کنند و از قتل یا دستگیری افراد بیگناه به دست نیروهای خارجی شکایت می کنند، کرزی را می توان حق بجانب دانست. در هر مورد از این دست، حتی اگر رئیس جمهور خود اعتراف هم نکند، رئیس جمهوری جلوه می کند که توان را مهار کردن خودسری های خارجی ها ندارد و این به اعتبار وی در نزد مردم افغانستان به شدت صدمه زده است. از این نظر احساساتی بودن وی را می توان قابل توجیه دانست.

در این اسناد از آزاد شدن قاچاقچیان مواد مخدر و سایر مجرمین به دستور حامدکرزی گزارش سفارت امریکا در کابل نقل شده و همچنان در رابطه با اطرافیان آقای کرزی نیز در این اسناد سخن به میان آمده است. بیاد داریم که سال گذشته یکی از سایت های انترنتی افغان ها در این مورد مطلبی را به نشر سپرد. این خبر بعدا یک شایعه به شمار آمد و رد شد و بعضی ها آن را شایعه تلقی کردند اما آیا سفارت امریکا در کابل فقط شایعه یی را به عنوان یک سند علیه کرزی گزارش داده است تا نشان دهد که این حکومت غرق در فساد است و یا اینکه حقیقتی در آن نهفته بوده است؟ این چیزی است که از این اسناد نمی توان دریافت.

در رابطه با احمد ولی خان کرزی هم همان اتهامات قبلی مطرح شده در رسانه های ایالات متحدهٔ امریکا تکرار شده و وی شخصی آغشته به فساد و دست اندرکار قاچاق مواد مخدر خوانده شده است. به صورت کلی در مورد افغانستان مطالبی که در این اسناد آمده تازگی ندارد و قبلا در رسانه های امریکا و انگلستان منعکس گردیده و حکومت افغانستان آنرا رد کرده است. پس نمی توان انتظار داشت که این اسناد به رابطه میان ایالات متحدهٔ امریکا و حکومت افغانستان صدمهٔ بیشتر بزند.

بیشترین افشاگری ها شامل اسنادی است که به کشور های اسلامی رابطه می گیرد و می تواند به روابط کشور های اسلامی با همدیگر صدمه وارد سازد. اکثریت کشورهای عربی ایران را یک خطر به شمار می آورند. آیا ویکی لیکس در صدد است تا به نحوی از یک اجماع در میان کشورهای عربی علیه ایران پرده بردارد و حملهٔ احتمالی بر ایران را توجیه نماید؟ از اسناد چنین بر می آید.

موضوع ایران و اینکه کشورهای عربی به خصوص سعودی و امارات خواهان حملهٔ نظامی بر این کشور بوده اند، نکتهٔ جالبی است. همانگونه که قبلا افشا شده بود همین کشورها امریکا را برای حمله بر عراق و سرنگونی صدام حسین تشویق کرده بودند. آیا سرنگونی صدام حسین نفعی به حال این کشورها داشت؟

این اسناد نگرانی و ترس مشترک اعراب و اسرائیل از ایران را به صورت بارزی به نمایش می گذارد. یهود باراک وزیر دفاع اسرائیل سال ۲۰۱۰ را سال سرنوشت ساز برای رفع خطر ایران می داند و شاه عبدالله شاه سعودی خواهان حملهٔ امریکا به ایران است. گاردین نوشته است که شاه عبدالله امریکا را به حمله به ایران تشویق کرده و ایران را عامل بی ثباتی در منطقه خوانده بود. در جای دیگری هم آمده است که شاه عبدالله به وزیر خارجهٔ ایران گفته است که شما غیر عرب ها حق مداخله در امور اعراب را ندارید. مگر امریکا و اسرائیل عرب اند که حق دارند در امور کشور های عربی مداخله نمایند؟

در این اسناد دیده می شود که هم اسرائیل و هم بسیاری از کشور های عربی خواهان حمله بر ایران اند اما امریکا در این رابطه بسیار محتاط است و این کاملا طبیعی است. اکنون آن زمان سپری شده که امریکا به منظور سرنگونی صدام به عراق حمله برد. شکست استراتژی امریکا در افغانستان وعراق شاید تا حدی امریکا را بر سر عقل آورده باشد و دست به یک جنگ دیگر نزند.

اما در مورد پاکستان اسناد ویکی لیکس نمایانگر این حقیقت است که زمامداران این کشور نه تنها با همسایگان خویش و کشور های غربی مستقر در افغانستان بازی دوگانه دارند بلکه با مردم خود نیز به همین شیوه رفتار می کنند. در سندی آمده است که صدراعظم یوسف رضا گیلانی به امریکا گفته است که نیروهای مخصوص ایالات متحدهٔ امریکا می توانند همراه با نیروهای پاکستانی در عملیات در داخل خاک پاکستان سهم بگیرد و ما در پارلمان با آن مخالفت می کنیم اما به زودی آنرا فراموش خواهیم کرد.

در مورد عملیات طیارات بی سرنشین امریکایی نیز مقامات پاکستانی با امریکایی ها عین موضوع را مطرح کرده بودند یعنی در ظاهر با این عملیات مخالفت می کنند اما امریکا نباید این مخالفت را جدی بگیرد. وقتی زمامداران یک کشور در برابر مردم خود اینگونه عمل می کنند، همسایگان و هم پیمانان چنین کشوری از آنها چه انتظاری باید داشته باشند؟

اما جالب است که در مورد پاکستان در این اسناد به یک مورد دیگر اشاره شده که ظاهرا رعایت نظر مردم پاکستان از جانب زمامداران این کشور را می رساند و می خواهند بگویند که نظر مردم پاکستان برای آنها مهم است. امریکا قصد داشت تا مقداری یورانیوم با درصد پالایش بالا را از یکی از کوره های اتومی این کشور خارج سازد تا به دست (تروریست ها) نیافتد. یورانیوم به این درصد برای ساختن سلاح اتومی به کار می رود اما مقامات پاکستانی به این دلیل که این کار موجب خواهد شد تا مردم فکر کنند که امریکا قصد خلع سلاح اتومی پاکستان را دارد، اجازهٔ این کار را ندادند. این نکته نیز سیاست یک بام و دو هوای پاکستان را مشخص می سازد.

از این اسناد در مورد پاکستان می توان آیندهٔ حزب مردم را نیز پیشبینی کرد.

مقامات پاکستانی از عملکردهای آصف علی زرداری راضی نیستند و بلند پایه ترین مقام نظامی این کشور یعنی لوی درستیز اشفاق پرویز کیانی به امریکا می گوید که فوج قصد کودتا را ندارد اما می خواهد آصف علی زرداری از مقام ریاست جمهوری کنار نهاده شود و به جای وی اسفندیار ولی خان رئیس جمهور پاکستان شود.

از مولانا صاحبان پاکستانی هم در این اسناد ذکر خیری به عمل آمده است. مولانا فضل الرحمان از مقامات امریکایی خواسته است تا وی را برای رسیدن به مقام صدارت در پاکستان یاری نمایند. هرچند جناب مولانا این سخن را رد می کند و می گوید زمانی که احزاب مذهبی در پاکستان دچار تفرقه شدند، امکان این وجود نداشت تا وی صدراعظم پاکستان شود. در جواب می توان گفت که اگر جناب مولانا از حمایت کافی در مجلس نمایندگان برخوردار می بود نیازی به این خواست از امریکا نبود و درست به خاطر همین ضعف شاید جناب شان از امریکا چنین تقاضا را کرده باشند.

ویکی لیکس در افشاگری های تازه به افشای راز های مخفی روابط امریکا با کشورهای دیگر پرداخته است اما خود این پایگاه انترنتی و توانمندی اش از آنچه که افشا کرده پر رمز و راز تر است. این سایت چگونه به این اسرار دست یافته و با پشت گرمی کدام قدرت به نشر آن پرداخته است؟ و جالب تر اینکه گفته می شود گردانندهٔ این سایت به اردن پناه برده است. آیا عجیب نیست؟...

هشدار گروه بین المللی بحران به حکومت افغانستان

عبدالعلی کوهی استاد دانشگاه کابل

گروه بین المللی بحران پس از تصمیم اخیر ناتو در لیسبون پایتخت پرتگال مبنی بر خروج نیروهای بین المللی در سال ۲۰۱۴ از افغانستان؛ به چنین گزارش دست یازیده است. به گزارش این گروه بحران، خروج نیرو های بین المللی به رهبری ناتو، در سال ۲۰۱۴ از سقوط دولت و بازگشت نظام طالبانی در افغانستان خبر می دهد. یک چنین تصمیم ناتو در مورد افغانستان در شرایطی اتخاذ می گردد که شورشیان طالب، نسبت به سال های قبل تقویه شده و آنها از مناطق امن در عملیات خویش استفاده می کنند و از خود ظرفیت های جدید نظامی بروز می دهند. این گروه همچنان هشدار داده است که در صورت خروج نیروهای ناتو از افغانستان جنگ های میان گروهی و داخلی در افغانستان شروع خواهد گردید و افغانستان یکبار دیگر به جنگ های سال های ۱۹۹۰ باز خواهد گشت.

به گزارش این گروه، راهبرد ائتلاف بین المللی در زمینه های؛ چون: شکست شورشیان، جلب و پشتیبانی مردم از دولت، رو آوردن نا راضیان به حکومت، تقویت نیروهای امنیتی، حکومتداری خوب، مشارکت ملی و پشتیبانی روستایان به جانب دولت ناکام بوده است. در این گزارش تصریح گردیده که غرب نتوانسته است، به نظام قضایی، ارتش و پولیس افغانستان کمک و یاری بیشتر برساند. از نظر این گروه نظام قضایی افغانستان به بازی گرفته شده و مجلس نمایندگان افغانستان و تصامیم آن از جانب حکومت نا دیده گرفته شده است. به هر صورت از نظر گروه بحران جهانی، خروج نیروهای بین المللی از افغانستان، به معنای سقوط دولت تلقی می شود. تصمیم اخیر سازمان پیمان نظامی اتلانتیک شمالی (ناتو) مبنی بر واگذاری مسوولیت کامل امنیتی به نیروهای افغانستان در سال ۲۰۱۴ م در حقیقت حل معضل سیاسی و نظامی افغانستان نیست، بلکه پایان ماموریت نیروهای بین المللی در این کشور می باشد، که نتیجه و ما حصل این خروج سقوط دولت را در پی خواهد داشت. به نوشته این گروه، طالبان نسبت به هر وقت دیگر، فعالتر شده و تعیین مهلت برای خروج نیروهای خارجی از افغانستان، کمکی به بهبود وضعیت در افغانستان نمی نماید؛ از جانب دیگر عملیات نیروهای ائتلاف، نتوانسته است تا از شدت مقاومت مخالفان بکاهد، افزون بر این مخالفان دولت در خارج از مرز افغانستان از خود، دارای مخفیگاه امن بوده و از جانب استخبارات آن کشور حمایه می شوند. برنامه خروج ناتو در شرایطی مطرح می شود که از جانب دولت افغانستان، هیچ نوع برنامه یی دراز مدت و کوتاه مدت در جهت سرکوب مخالفان وجود ندارد و با گذشت هر روز دولت پایگاه اجتماعی و محبوبیت خود را در میان مردم از دست می دهد و مخالفان دولت قسمت اعظم خاک افغانستان را در اختیار خود دارد و این در حالیست که دامنه نفوذ، همه روزه در شمال و جنوب بیشتر می گردد. گروه بحران که مقر آن در بروکسیل می باشد، نه تنها دولت حامد کرزی را ناکام و نا موفق خوانده است، بلکه از نظر این گروه جامعه جهانی نتوانسته است به تعهدات خود در مورد بازگشت صلح و ثبات، تطبیق قانون تأمین دموکراسی و کمک به مردم عادی افغانستان وفا دار بماند. یک چنین ناکامی نیروهای ائتلاف بین المللی از طرف این گروه در شرایطی عنوان می شود که هم اکنون ۱۴۰ هزار سرباز خارجی به رهبری ناتو در افغانستان، به ویژه در بخش های شمال و جنوب این کشور در برابر شورشیان مبارزه می کنند، همچنان این گروه از دولت امریکا به این دلیل انتقاد می کند که، انتقاد بیش از حد امریکا از کرزی و خشمگین نمودن آن، زمینه را مساعد خواهد ساخت که کرزی از متحدانَ غربی خویش فاصله گرفته و برای ماندن در قدرت متکی به گروه های مختلف دیگر گردد. توصیه این گروه به حامیان بین المللی حکومت کابل اینست که عوض انتقاد و سرزنش از این حکومت، باید برای تقویت نظام قضایی، ارتش و پولیس افغانستان گام بردارد؛ زیرا تعداد پولیس و ارتش افغانستان کمتر از آن است که بتواند در بازی پیچیده و تنش های منطقه یی کاری انجام بدهد.

دفتر مطبوعاتی ریاست جمهوری افغانستان اعلام کرد که با حمایت جامعه جهانی تا سال ۲۰۱۴ این کشور می تواند کنترول، و مدیریت کامل اوضاع این کشور را به دست گیرد. دولت گزارش گروه بحران بین المللی را مبنی بر سقوط این دولت، پس از خروج نیروهای ناتو از این کشور به شدت رد کرد. تصمیم اخیر ناتو در راستای استراتژی خروج تیروهای بین المللی از افغانستان تا سال ۲۰۱۴ م بعد از توافق جانب دولت افغانستان در لیسبون پایتخت پرتگال اعلان گردیده است. آنچه در عکس العمل دولت افغانستان پس از هر انتقاد و تحلیل های سیاسی وجود دارد، فقط تکذیب آن است و بس. دولت در برابر این گزارش گروه بحران از خود عکس العمل شدید نشان داده و آن را مردود می شمارد و به این باور است که دولت تا سال ۲۰۱۴ م خواهد توانست همه بخش های اردو و پولیس را رهبری، اشراف و مدیریت نماید این سخنان در لحظاتی از جانب حکومت افغانستان عنوان می گردد، که دولت در یک بحران عمیق سیاسی و اجتماعی بسر می برد. در صورت نبود یک برنامهٔ کاری، تقویه اردو و پولیس، نمی توان به توانایی دولت اعتماد داشت، امید و آرزوی خیالی بیش از حد نمی تواند خود را از سقوط نجات دهد؛ زیرا اردوی افغانستان هم اکنون دارای پوشش هوایی نیست، تفکر ملی در میان پولیس و اردو وجود ندارد، نهادهای حکومت یعنی؛ پارلمان و قضا در برابر هم قرار دارند، تمرکز بیش از حد قدرت در دست کاخ نشینان ریاست جمهوری تمام نهادهای حکومت را به چالش کشانده و ... باید گفت که گروه بین المللی یک گروه مستقل و منبع تجربه و مشورت شناخته شده که توصیه هایی را به دولت ها و نهادهای جهانی برای پایان درگیری ها ارایه می کند. در این گزارش به چند مورد خاص آن می توان اشاره کرد. امروز روزنه یی در افغانستان در جهت اصلاح وجود ندارد و نظر به مکانیزم و شیوه یی کاری که در نزد این حاکمیت وجود دارد، این حاکمیت قادر نیست، تا پولیس و اردو را تا سال ۲۰۱۴ تقویت و حمایت زیربنایی نماید. نظر به ناتوانی دولت که در ظرف ۹ سال از خود نشان داده است، این دولت قادر نیست در ظرف این سال ها از خود ظرفیت و توانایی نشان دهد، در چنین وضعیتی که افغانستان در آن قرار دارد، بعید است که این دولت بتواند اردو، پولیس و نهادهای تقویتی را در خود ایجاد نماید؛ در حالی که نیمی از بدنه تقویتی نظامی را گروه اجیر تشکیل می دهد، با چنین گروه اجیر نمی توان کشور را از چنین بحران و توفان عظیم نجات داد. با چنین سیاست های اشتباه آمیز و بنیادی که دولت با آن خو گرفته است، امکان هر نوع تقویه ئی نظام بعید به نظر می رسد.

جامعه جهانی و حکومت کرزی طی ۹ سال گذشته در بحران زندگی کرده و در جهت ایجاد بحران گامی بلند بر داشته است، که یک شبه نمی توان این شوره زار تفکر قرون وسطی حاکمیت موجود را به محیط سالم و انسانی که در آن گیاه محبت و ملی گرایی بروید، تبدیل کرد. دولت کمتر در حیات سیاسی خود در جهت ثبات و امنیت در کشور کار کرده است، این دولت در زمینه های: اشتغال زایی، رفاه اجتماعی، مبارزه با فساد، مبارزه با دهشت افگنی، عدالت اجتماعی، حکومت داری خوب، تطبیق قانون به کم کاری متهم بوده است در حالی که چنین گام های مثبت می توانست در جهت ثبات و استقرار کمک نماید. ظرف این سال ها جانب حکومت به قانون شکنی و بی تفاوتی در برابر حیات مدنی و حقوقی مردم متهم بوده است. وقتی جانب دولت از تقویه اردوی ملی ظرف سال های آینده به کمک خارجی ها حرف می زند به گفته فردوسی آهن سرد کوبیدن خواهد بود، در حالی که اردو از خود ثبات ندارد. این اردو به اقوام مختلف تقسیم شده و در میان اردو روحیهٔ وطن دوستی و تفکر ملی کمتر سراغ می شود، از جانب دیگر بدنه این اردو و پولیس را عسکر اجیر و اربکی تشکیل داده و در برابر هر گونه حوادث از خود برخورد انفعالی نشان می دهند. از سوی دیگر این اردو از نظر تخنیک و فن آوری های مدرن و جدید نظامی در سطح پائین قرار دارد. با چنین اردوی ضعیف نمی توان دولت را از سقوط نجات داد و با چالش های منطقوی با آن مبارزه کرد.

حکومت به این باور است که خروج این نیروها در سال ۲۰۱۴ قطعی نیست و نظر به شدت نبرد مخالفان و موجودیت آنان در میدان های جنگ این خروج عملی می گردد. باید گفت که فشار افکار عامه اروپا و امریکا قوت های آنها را مجبور خواهد ساخت که کشور افغانستان را دور یا نزدیک ترک بگویند، این جنگ های بی برنامه و بی هدف که در پشت این ورود اهداف بزرگتری وجود دارد به نفع مردم افغانستان نیست. جز اصلاحات اساسی در نظام و عناصر متشکلهٔ دولت نمی توان این حاکمیت را از سقوط نجات داد، در حالی که دولت از استعدادهای قدرتمند به داخل حاکمیت در هراس است، یک دور و تسلسل باطل حیات این حاکمیت رادر ظرف این سال ها تشکیل داده است. یک چهره نا بکار در همه تشکیلات دولتی تبلور می یابد، این ظرفیت های پوسیده و از کار افتاده غنیمت است که حکومت در طی ۹ سال با آنها اتکاء نموده است. نبود ظرفیت های سالم در بدنهٔ حاکمیت، موجبات بحران در افغانستان گردیده است. تا زمانی که جای ظرفیت های بیکاره، فرسوده، عاطل و باطل ظرفیت های جدید و کار آزموده اشغال نکند و اصلاحات در همه زمینه ها عملی نگردد، دولت نمی تواند خود را از این معضل بی ثباتی نجات دهد، بدون تغییر اساسی، حکومت افغانستان نتیجهٔ تلخ آنرا مشاهده خواهد کرد.

ملامنصور تقلبی

چگونه به ارگ راه یافت؟

ابوبکر سبزوار

از چند هفته به اینسو موضوع ملاقات شخصی به نام ملامنصور با رئیس جمهورکرزی موضوع مورد توجه رسانه ها بوده است. این مرد که گویا به نام ملا اختر محمد منصور مرد شماره دوم یا سوم طالبان با رئیس جمهور دیدار داشت، در اصل یک شیاد بود که توانست مبلغ هنگفتی پول به جیب بزند و از صحنه غایب گردد.

از مدت ها قبل مقامات دولتی خبر از مذاکرات شان با مقامات طالبان داشتند اما می گفتند که این مذاکرات در مراحل ابتدائی قرار دارد در حالی که طالبان هرگونه مذاکره و حتی تماس را رد می کردند. آنها در سایت های انترنتی شان براه انداختن این گونه شایعات را نشانی از ضعف و شکست نیروهای خارجی و حکومت افغانستان دانسته و مدعی بودند که این گونه شایعه پراگنی ها بخشی از جنگ روانی بعد از شکست آنان در نبرد نظامی است که با تلاش تضعیف روحیهٔ طالبان صورت می گیرد.

اکنون به نظر می رسد کسی که حکومت افغانستان با وی به نام نمایندهٔ طالبان مذاکره کرده، هیچ ارتباطی با طالبان نداشته است. این شخص توسط انگلیسی ها معرفی شده و توسط طیارهٔ امریکایی از پاکستان به افغانستان غرض ملاقات منتقل گردید.

مولوی اختر محمد منصور در دوران طالبان وزیر هوانوردی بود. ملا منصور را می توان در شمار وزرای موفق طالبان در آن زمان دانست. او با وجود امکانات بسیار محدود طالبان موفق شد تا شرکت آریانا را با دو طیارهٔ بوئینگ و چند طیارهٔ انتونوف روسی فعال نگهدارد.

ملا اختر محمد منصور از قندهار است و بعد از سقوط طالبان مانند دیگر رهبران این تحریک مدتی را در خفا بسر برد اما بعد از اینکه طالبان مجددا دست به قیام و نبرد زدند، وی مدتی مسوول زون عملیاتی طالبان در قندهار بود. بعد از دستگیری ملا برادر، برخی از مسوولیت های وی به منصور سپرده شد.

یکی از مقامات سابق امنیت ملی در رابطه با این موضوع گفته است که من قبلا در این مورد تحقیق کرده و به این نتیجه رسیده بودم که شخص مذکور ملا منصور نیست اما به نظر من توجهی نشد. این نکته خود نشان می دهد که ملا منصور تقلبی از قبل با حکومت افغانستان در رابطه بوده و احتمالا نه این اولین ملاقات وی با رئیس جمهور کرزی بوده ونه هم نخستین باری بوده که پول دریافت کرده است.

وقتی چنین ارتباطی از قبل وجود داشته پس چگونه ممکن است که در طول این مدت کسی متوجه این اشتباه نشده باشد؟ به خصوص اینکه شخص حامدکرزی مدتی را با طالبان سپری کرده و با مقامات بالای طالبان آشنائی داشته است.

اگر این فرد از طرف مقامات استخباراتی انگلستان معرفی شده باشد این سوال مطرح می شود که آیا این یک اشتباه از طرف سازمان استخباراتی انگلیس بوده است و یا اینکه انگلیس ها از قضیه آگاه بودند و عمدا دست به این اقدام زدند تا تلاش های صلح حکومت افغانستان را به تمسخر بگیرند؟

اگر این کار یک اشتباه از جانب سازمان استخباراتی انگلستان باشد، این یک آبروریزی برای نیروهای انگلیسی نه تنها در افغانستان بلکه در سراسر جهان است. از جانب ص۷

به بهانهٔ درگذشت المناک استاد مشفق
یکتن از پیشتازان نهضت اسلامی افغانستان

یاد آن یار سفر کرده به خیر!

ملکزاد

تاریخ مبارزات اسلامی و سیاسی کشور گواه بر آن است که جمعیت اسلامی افغانستان. به عنوان بزرگترین و سابقه دار ترین خیزش اسلامی در کشور، در طول فعالیت های شکوه آفرینش تعداد معتنابهی از شخصیت های برارزنده، نامدار و قابل افتخاری را در دامان خود پرورش داده است.

شخصیت هایی که تنها منسوب به یک تیره و تبار و جغرافیای خاصی نبودند و نیستند.

جهره هایی که آغازین کار شان تحت نام " جوانان مسلمان فعسسن" ومتعاقباً زیرعنوان "جمعیت اسلامی فعسسن" بشور و شوق واحساس بی الایسانه شروع و به تدریج گسترش یافت وبدینترتیب به عنوان نهضتی فراگیر ومظهرارادهٔ وسیع مردمی وپایگاه نیرومند امیدوارزوبرای مسلمانان عرض اندام کرد.

منسوبین این حرکت سازنده باسرافرازی ودادن قربانی های بزرگ وبیدریغ توفیق یافتند تا افتخارات عظیم و شکوه و جلال و حماسه های جاودان ورهایی ازاسارت را- خصوصاً پس ازطلوع آفتاب جهاد درافغانستان- بیا فرینند وآن را برای نسل های امروز وفردای وطن، تقدیم نمایندکه درسر فهرست این شخصیت های والا جایگاه، اسمای بزرگوارانی چون بوهاندغلام محمد نیازی، انجینر حبیب الرحمن، مولوی حبیب الرحمن، انجینر سیف الدین، نصرتیار، داکتر محمد عمر، عبدالقادر، توانا، عبدالرحیم نیازی و امثال آنها درخشش دارد .

هرگاه بخواهیم نگاهی در دوره های سه دورهٔ اخیر مبارزات این نهضت نام آور ودارای سوابق درخشان بیفگنیم ، به وضوح درمی یابیم که درصدر علمداران ممتاز وتاریخ ساز آن، نام گرامی قهرمان ملی کشور: احمد شاه مسعود جلوه می افروزد .شخصیت کم نظیری که جایگاه بلندش همواره در آسمان نیلگون مبارزات آزادی طلبانه، مردم خواهانه ووطن دوستانه وسنگرهای داغ جهاد ومقاومت ومبارزات سالم وامید بخش ،تلألو دارد وهمین طور می توان نام روانشاد استاد دکتر سید محمد موسی توانارا به مشاهده نشست که درساحهٔ مبارزات سیاسی – تعلیمی و فرهنگی، جلوه گری های خاصی دارد.

و بدین نحو اگر بخواهیم اسمای گرامی همسنگران رخت از جهان بستهٔ انها ـ چه پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و چه بعد از آن دوره - را . فهرست بندی کنیم، می توان لست طویل و عریضی را ارائه داد واین فهرست بزرگ نشاندهندهٔ آن است که دفعه جمعیت چه جهره ها وشخصیت های تاثیرگذار وحماسه سازی را دارا بوده ومی باشد.

بنابراین جا دارد تا درد فقدان چهره های تابناک منسوبین این تنظیم یاسازمان بزرگ اسلامی نظیر: استاد ذبیح الله، فرمانده صفی الله افضلی ، استاد سیف الرحمن سایف، استاد ابو عبدالرحمن احمدزی، مولوی میر حمزه، استاد محمد کاظم شارقی، مولوی گل احمد، ملا نقیب الله آخندزاده ، مولوی عبداللطیف، صوفی قربان محمد قاصر، فرمانده علاوالدین خان هراتی، داکتر عبدالحی الهی ، استاد آرین پور، سید نجم الدین خان واثق ، استاد ابوادریس فضل کریم- فضل رحیم ، مولوی حمد حنیف حنیف بلخی، قاضی اسلام الدین حامد، سیدنور محمد هاشمی، استاد محمد کریم مجاهد، داکتر سیدحسین، عبدالعلی دانشیار،محمد امین ناصریار، قوماندان پناه خان شهید، نیک محمد خان بادغیسی،مولوی صادقی، قاضی محمد اسماعیل طارق، مخدوم محمد شفیع، قاضی فیض الله، سیدرسول اغا. استاد عبدالحی خان حقجو، مولوی عبدالغفور رضایی، استاد عزیز مراد، قاضی تاج الدین صدیق، استاد خطیبی، استادحسرت فاریابی، ده ها وصد ها شخصیت پراوازهٔ دیگر، همواره قلب و سینه ورگ رگ جان های ما را بسوزاند و حسرت نبود هریک آنها دیدگان ما را مالامال ازاشک بسازد.

می توان گفت: این چهره های تابناک و عزیز، هم چشم ما بودند و هم صدای مان و هم قلب و آرزو های پرعشق و ایمان و عاطفهٔ مان.

وای و حسرتا! اکنون "دست در سینه می نهیم و صدای تپیدن دل، چنان ضعیف است که انگار نه تپیدنی هست و نه صدایی .آنها از سینه ها مان بیرون افتاده اند وتنها در خاطره و خاطره ها و اندیشه و ذهن هامان، مانده اند."

« دل در غم حوادث بی نوحه نیست یکدم / درد شکست از این بیش با دانه که باشد؟»

درد او دریغا که این کاروان چنان شتابان پیش می رود که هرگز توقف نمی پذیرد.

«جوش غبار کم نشد از خاک رفتگان / منزل رسیده رنج سفر می کشد هنوز»

چه درد آفرین است ذکراین سخن ماتمبارکه درست یک یا دوهفته قبل ازامروز بود که اشک افشان شخصیت مجاهد ووصاحب وقار دیگری از این جمع را از دست دادیم.

مردی که نمونه یی از مهربانی بود، صمیمی بود، مشفق بود.

مردی که نام گرامیش مصداق شیوه و رفتار و کردارهمه پسندش بود. آری استاد محمد عباس مشفق ، مرد همیشه خندان، پروردهٔ آب و هوای سرزمین مجاهدپرور لغمان، که پس از عمری مبارزه و پیکار مخلصانه و بی امان وزندگی فروتنامه وبی توقع از جهان مادی، سر انجام چنان از میان ما بال و پر کشید و برای همیشه از ما برید که هرگز تصورش نمی کردیم.

او رفت. آنچنان که یاران دیگری از این جمع رفتند و برنمی گردند و چیزی از خود به جای نگذاشتند، الا نام نیک وکردارنیک...!

اما این ماییم که عبرتی ودرسی از این گونه سفر های بی بازگشت همسنگران خود نمی اندوزیم و نمی فهمیم:

«نقش پای رفتگان صفر کتاب عبرت است
دیده هر جا حلقه می یابد به گوشم می کشد»

و نمی دانیم:

« عبرت مرگ کسان سلسلهٔ خجلت ماست / رشته از هر که شود باز ، به ما می پیچد »

و از اثر همین غفلت است که:

همواره **«خیال می درویم و فسانه می کاریم»!**

و چنان مست بادهٔ بیخودی وجهلیم، که فکر می کنیم دنیا همیشه به کام ما خواهد چرخید!

سروکار بسیاری از ما امروزیان کبراست و غرور است وزیان و میل وخیال ما، پیوسته شنا زدن در گرداب فساد و گناه وعصیان...!

از اثرچنین کردار های زشت و رفتارهای شنیع است که به وضوح نظاره می کنیم:

«چهار سوی اعتبارات از زیانکاری پرست»!

غافل از این که:

«جز یاس نیست کروفر لاف زندگی / هر گه نفس بلند شود آه می شود.»

اگر پردهٔ غلفت از دیده بر دریم و نیروی اندیشیدن دقیق، رفیق مان گردد، در خواهیم یافت: زندگانی جز دو روزی بیش نیست و این آهنگ دمی در گوش ما ازچکیدن نمی ایستد که:

« غبار قافله رفتگان پر افشان است / که ای نفس قدمان شام شد به ما برسید!»

آری ما بدبختانه که غافلیم وسرمست وبیخود از شراب مقام وجاه وکرسی ومال ومنال...!

ورنه . به قول پدر معنی ها، مرگ هریکی ازیاران ، ما را به خود می آورد و آگاه مان می ساخت که :

اشک یک لحظه به مژگان بار است / فرصت عمر همین مقدار است !

هر گاه ما از نعمت دیدهٔ بیدار ـ که کار صد چراغ را می کند ـ برخور دار باشیم ، چگونه می شود مشکل انگاشت شنیدن گلبانگی که هرآن ما را مخاطب قرار می دهد:

«غبار می کند از خاک رفتگان فریاد
که سرمه ایم نگاهی به سوی ما انداز»!

این بدان مفهوم است که: مرگ هر لحظه در کمین ماست.

« خواه دریا نقش بندم خواه شبنم گل کنم
رفتنی پیداست در هر صورتم از چشم خویش»

پس چه بهتر چنان زندگی کنیم، که نام ما همیشه در جریدهٔ عالم ثبت گردد وما ازجملهٔ زندگان به حساب آییم، نه مردگان ولو که می بینند ماهنوز از هوای این عبرت اباد استشمام می کنیم .

به قول استاد سخن خلیلی:

مرد نمیرد به مرگ، مرگ از او نا مجوست

نام چو جاوید شد، مردنش آسان کجاست؟

و من، هم نظرم با سخن نویسندهٔ درد آشنائی که می گفت:

«مرگ» تنها به سراغ زندگان می رود. بر «بود» و «بودن» ها تنها تند باد «نابودی» است که می وزد و نهال و درخت های خشکیده و با ریشه و با برگ های زرد فروافتاده و بیگانه با درخت های سالم و پر بار را درو می کند و می برد،«تولدی» در کار نبوده است که حضور مرگ را طلب کند.»

آری! همباورم بااین نویسندهٔ پرسوزی که دردمندانه درفرازی از نوشته اش آورده :

« نسل آفرینان و اینده سازنند که رنج بار داری و درد پروردن را به خود خریده اند و بار رسالت بشری را آگاهانه به دوش گرفته اند و توان زندگی و زایندگیشان هست. و در جان فرزندان و فرزندان فرزندان شان و در امتداد زمان و اینده حضور خواهند داشت. اما هر شکم بر اماسیده و بیگانه با مادری و عشق و کافر به ارزش های انسانی، و خود پرستی که تنها به تولید مثل و تداوم بی اثر و بی معنای خویش می اندیشد، نمی تواند باردار و ابستن «آینده» باشد.»

بلی!

« چنین است که بسیاری ها می میرند و مرگ شان را باور نمی کنند. مرده اند و تنها به دلیل نفس کشیدن و «بودن» «مدعی» «زندگی» و سلامتند.در کنار هم اما دور و بیگانه باهم هستند. چونان چشمان یک سر همسایه اند وبی خبر از خانهٔ یکدیگر و درد ها و شادی های مشترکشان هستند.»

ما، وارث یک انقلاب برخی و بزرگ وبازماندگان یک نسل پر افتخار نامیده می شویم . پس رسالت مان چیست؟ پاسخ درخور اینست که وظایف ومکلفیت های خطیری فرا روی خود داریم . مقدمتراز هرچیز برای ماست که، فرمایشات قرآن عظیم الشان وپیامبربزرگوار اسلام را همواره آویزهٔ گوش کنیم و هر آن تصورنماییم:

ـ " به پایان فرصت خویش رسیده ایم. یا اگر خوشبین تر باشیم به لحظهٔ پایان نزدیک شده ایم" پس به گفته پرویز خورسند: یکی ازبزرگترین مسئولیتهای مان این است که برای بشری کردن چهرهٔ زمین و زمان، بکوشیم. واین کارمستلزم آن است که علاقهٔ ما نسبت به دین وحق گستری بیشتر باشد ومبارزه بامفاسد بسط یابدو دنیاگرایی مارا زیربار فتنه افزا وکمرشکنش قرار ندهد.

پیامبراکرم صلی الله علیه وسلم برای امتان شان ارشاد می فرمودند که حیات دنیایی را جاودانی نپندارندوبه آن دل نبندند. جنانچه درحدیث مبارکی که ازعبدالله بن عمر"رضی الله عنهما"روایت است می خوانیم :

" پیغمبرخدا «صلی الله علیه وسلم » شانه هایم را گرفته وفرمودند:

در دنیا آن چنان باش که مسافر ورهگذرهستی» وابن عمر(رضی الله عنه) می گفت: چون شام زنده بودی ، انتظار صبح را نداشته باش ، وچون صبح زنده بودی انتظار شام را نداشته باش، و از ایام تندرستی ات برای ایام مریضی ات واز زندگی ات برای مرگت ذخیره نما.»

خداوند برادر مجاهد وریا ستیزما استاد مشفق را قرین رحمت خویش قرارداده وروانش را شادگرداند وبرای ما نیزتوفیق ارزانی فرماید تامخلصانه رهٔ تقوی و حق گرایی برگزینیم واز دست آوردهای جهاد و مقاومت مخلصانه پاسداری نماییم ودرحفظ وحراست از ارزش های والا سرسختانه بکوشیم و درکنارآن، دراین دنیای زودگذر، قدر همدیگر را خوب بدانیم وهمسنگران ما را- که درسخت ترین شرایط مبارزه وجهاد درکنارما بودند و عاشقانه ازسنگرهای اسلام وازادی ووطن دفاع کردند- به یاد فراموشی نسپاریم وازکشیدن دست نوازش برسرانها درتبع نورزیم، بل سعی ورزیم تا گرد غم واندوه ومصایب را ازسروروی شان بروبیم . به ویژه بازماندگان شهدای عزیزرا ، که حق فراوانی بالای ماداربد.

ذکراین جملات مارا به یاد سرنوشت تلخ یاران بیچاره وشناخته شده یی می اندازد که باکمال تأسف می نگریم بسیاری ازآنها، با وصف هرگونه جانفشانی ها وانجام خدمات ارزنده به خاطرخدا واسلام وآزادی، درکوره های سوزان درد و حرمان و اندوه ومصایب گداختند، ولی اکنون ازثمرهٔ آن بی بهره اند و به حالت فلاکتبار وسرنوشت درد باری مواجه می باشند. شاید هیچ منصفی انکار نورزدکه آزادی و سروری عدهٔ زیادی ازکام رسیدگان امروزی، حاصل خدمات ارزنده وفداکاری های بیدریغ آنان ومرهون خون شهدای عزیزی است که درخت آرزوهای بزرگ را بار ور ساختند.

درفرجام ضمن دعا یاد اورباید گردم که این قلم روز گاریست در صدد شده است تا سوگیاد هایی زیر نام: « **یاد یاران سفر کرده به خیر**» در ذکرخیر بزرگمردانی که در فوق از ایشان نام برده شد، تدارک ببیند؛ ازخداوند استدعا داریم تا درتکمیل آن وانجام سایرکارهای خیر ونیک، لطف وکرمش را شامل حال گرداند و مارا توفیق خدمت در راه اسلام ومردم وکشور ارزانی ونعمت عظمای حقشناسی را نصیب گرداند.

(آمین)

په هیواد کې د بهرنۍ پانګونې دودې لپاره د دوبۍ کنفرانس

شفیق



د تېرې دوشنبې په ورځ د متحده عربي اماراتو په دوبۍ ښار کې په افغانستان کې د بهرنیانو د پانګونې د ودې او پراختیا په منظور یو نړیوال کنفرانس دایر شوی وو چې پکې د نړیوالو شرکتونو او سوداګرو له زرو څخه زیاتو خلکو ګډون کړی وو او د افغانستان د بهرنیو چارو د وزیر زلمي رسول په مشرۍ د اقتصاد، مالیې، سوداګرۍ، مخابراتو، کانونو او زراعت د وزیرانو په شمول یو لوړ رتبه پلاوی هم ورته ورغلی وو څو وکولای شي بهرني سوداګر په افغانستان کې پانګونې ته وهڅوي او زمونږ په هیواد کې بهرنۍ پانګونې ته وده ورکړي. هغه کار چې زمونږ د هیواد اساسي قانون ورته هم د آزاد بازار (د بازار اقتصاد) په منلو سره له لسو کلونو راهیسې خپله غیږه پرانستې ده خو د بن له پریکړې وروسته د راغلي نظام له یوې ورځې څخه بلې ته د کمزورتیا او په هیواد کې د وسله والو مخالفینو د ځواکمن کېدو لامله ـ چې د هیواد امنیت یې تر ورلې دی ـ ناامني له یوې ورځې څخه بلې ته ډیریږي د کوم کار چې ددغې موخې د تحقق په وړاندې ستر خنډ ګڼل کیږي.

او لامله یې نړیوال سوداګر زړه نه ښه کوي زمونږ په هیواد کې پانګونه وکړي او په نتیجه کې یې بهرنۍ پانګونه پراختیا ومومي چې د افغانستان د بیارغاونې او پرمختګ لپاره اړینه خبره ده.

د کنفرانس په پای ته رسیدو سره د هیواد د بهرنیو چارو وزیر د دغه کنفرانس د پایلو په هکله په ډاکه کړه چې په راتلونکو څو کلونو کې به په افغانستان کې بهرنۍ پانګونه تر لس میلیارد ډالرو ورسیږي او پدی سره به بهرنۍ پانګونه په مختلفو اړخونو کې وده ومومي چې دا کار یې د افغانستان لپاره یو غټه لاسته راوړنه وګڼله.

د بهرنیو چارو د وزیر او ورسره د نورو وزیرانو مل پلاوې دغه هڅه چې د متحده عربي اماراتو د بهرنیو چارو د وزارت په کوربه توب او میلمستیا په دوبۍ کې ترسره شوه، پداسې حال کې را مینځته کیږي چې په همدې ورځو کې د افغانستان د هوا نوردۍ د حکومتي شرکت ((اریانا)) په شمول د هیواد دریوارو خصوصي شرکتونو هریو: صافي ایر، کام ایر او پامیر ایرلاینز په الوتنو باندې اروپایي هیوادونو ته بندیز لګیدلی او لامله یې دغو شرکتونو ته په ملیونو ډالرو زیان رسیږي: څکه تر اوسه چې دغو شرکتونو په آزادانه او نیغ په نیغه توګه اروپایي هیوادونو ته الوتنې کولې. لدې وروسته به هیڅ افغاني شرکت اروپایي هیوادونو ته الوتنې نشي کولای دا چې پدې هکله پرې د چا په غاړه ده؟ (څکه د هیواد د تراسپورت وزیر داوود علی نجفی ـ چې په تیرو ولسمشریزو ټاکنو کې د ولسمشر کرزي په ګټه په ټاکنیز کمیسیون کې د ښه خلېدو له برکته د ولسمشر کرزي لخوا پېرزوني وزارت ته ورسولو شرکتونه تورنوي چې دوې د اروپایي هیوادونو لخوا د مصؤنیت په هکله معیارونه او شرطونه نه دي پوره کړي او شرکتونه بیا وزیر پدې تورنوي چې د اروپایي هیوادونو د هوانوردۍ د مصؤنیت په هکله د دایر شوي اته ویشتو هیوادونو په کنفرانس کې یې د افغانستان له ګټو څخه دفاع نده کړای شوې).

هغه حکومت چې اروپایي هیوادونو ته د الوتنې د سیفتۍ (مصؤنیت) په هکله دایر شوي کنفرانس کې د افغانستان له ګټو څخه دفاع نشي کولای، څنګه به وکولای شي چې نړیوال سوداګر په افغانستان کې پانګونې ته وهڅوي څو بهرنۍ پانګونه دلته وده ومومي.

ملا منصور تقلبی...

دیگر انتقال این شخص توسط طیارهٔ امریکایی نشان می دهد که همکاری میان سازمان های استخباراتی ام آی شش و سیا وجود داشته است. به عبارهٔ دیگر یک شخص به نام یک رهبر طالب توانسته است پیچیده ترین سازمان های استخباراتی غرب را فریب دهد و به واسطهٔ آنان از حکومت افغانستان اخاذی نماید و سپس از صحنه غایب گردد. پس مردم امریکا و انگلیس چگونه می توانند به این سازمان های استخباراتی برای تامین امنیت خویش اعتماد نمایند؟

اما اگر این کار به صورت عمدی و غرض بی اعتبار ساختن تلاش های حکومت افغانستان صورت گرفته باشد لازم است تا حکومت افغانستان در این مورد با قاطعیت برخورد نماید و از خارجی ها در مورد این مسئله جویای معلومات گردد. اینکه رئیس جمهور کرزی برای برائت خود می گوید که من با ملامنصور دیدار نکرده ام، نمی تواند این اشتباه را توجیه نماید.

بهرحال با کسی ملاقات صورت گرفته و پولی هم پرداخت شده در حالی که این شخص رابطه یی با رهبری طالبان نداشته است اما اینکه یک شخص با هویت جعلی تا به ارگ ریاست جمهوری راه می یابد و با شخص اول این کشور مذاکره می کند، خود سوال برانگیز است.

از طرف دیگر در کابل تعدادی از شخصیت های سابق طالبان حضور دارند که در گذشته با ملا منصور کار کرده اند. چرا در مورد تثبیت هویت این شخص از آنان استفاده نشد؟ گفته می شود که ملامنصور تقلبی از خارجی ها خواسته بود که نمی خواهد با طالبان سابق در کابل ملاقات داشته باشد. آیا همین موضوع برای مقامات حکومت افغانستان شک برانگیز نبود؟

نکتهٔ مهمی که گویا حکومت افغانستان و نیز نیروهای خارجی آنرا یکسره نادیده می گیرند شیوهٔ رهبری طالبان است. یکی از دلایلی که ب[illegible] کنون مانع به میان آمدن انشعاب در صف طالبان [illegible] محمد عمر نفوذ قوی معنوی بر زیردستانش دارد. حتی اگر یک فرمانده قدرتمند طالبان با صد ها جنگجوی زیر فرمانش بخواهد به حکومت بپیوندد، نباید گمان کرد که افراد مسلح وی از او اطاعت خواهند کرد. مثال روشن در این مورد تسلیم شدن ملا عبدالسلام در موسی قلعه است که اندکی پس از پیوستن به حکومت، همه افراد مسلحش او را ترک کردند.

از طرف دیگر وقتی رهبری طالبان می گوید که مذاکره یی با حکومت افغانستان انجام نخواهد داد و این حکومت را به عنوان یک طرف قابل اعتماد به رسمیت نمی شناسد، پس اگر کسانی هرچند از مقامات مهم طالبان با حکومت تماس برقرار نمایند و مذاکره کنند، این کار به معنی مذاکره با طالبانی نیست که می جنگند. فقط افرادی شاید به منظور به دست آوردن امتیازات مادی مذاکره کنند که بهائی که حکومت افغانستان برای اینگونه تسلیم شدن می پردازد، گران تر از حد معمول خواهد بود.

ممکن است که طالبان خود این نقشه را طرح کرده باشند تا ضعف قدرت تشخیص بزرگترین سازمان های استخباراتی بین المللی را برملا سازند و از جانب دیگر به ریش حکومت افغانستان بخندند.

از جانب کمیسیون مستقل انتخابات

کاندیدای پیروز ولایت غزنی در دور دوم مجلس نمایندگان اعلام شد

کمیسیون مستقل انتخابات که به تاریخ ۳ قوس نتایج نهایی کاندیدای برندهٔ دور دوم انتخابات مجلس نمایندگان را اعلام نمود، کاندیدای برندهٔ ولایت غزنی را نسبت عوارض تخنیکی اعلام نکرد که این به تعویق انداختن نگرانی هایی را در قبال داشت. و گمانه زنی ها براین بود که در تعیین نمایندگان رئیس حکومت مداخله خواهد کرد. تا جایی که حدس زده شود. این گفته ها بیجا نبوده، چنانچه از گفته های فضل احمد معنوی، رئیس کمیسیون مستقل انتخابات پیداست که در جواب سوالی به خبرنگاران گفت: « نگرانی رییس جمهور را ما کاملاً به جا می دانیم. قابل درک است به ما، ای کاش قانون صلاحیتی را می داد که همه نگرانی ها را می توانستیم مرفوع بسازیم.»

چون در دور ابتدایی همه این کاندیدا از اهل تشیع بودند، گروه ها و شخصیت های اهل تشیع نیز کمیتهٔ صیانت را تشکیل دادند که در صورت تقلب به ارای کاندیدای این ولایت دست به اعتراض زده و خاموش نخواهند ماند. بالاخره کمیسیون مستقل انتخابات به تاریخ ۱۰ قوس کاندیدای برندهٔ ولایت غزنی را اعلام نمود.

دیده شد که تغییری در آن نیامده، همان کاندیدای برندهٔ دور ابتدایی بود. که اسمای شان قرار ذیل است:

- علی اکبر قاسمی
- استاد محمد علی اخلاقی
- دکتور شاه جهان
- محمد علی علی زاده
- استاد محمد عارف رحمانی
- داکتر عبدالقیوم سجادی
- الحاج خدایداد عرفانی
- جمن شاه اعتمادی
- انجنیر نفیسه عظیمی
- هما سلطانی
- شاه گل رضائی

«مجاهد» این صفحه را به جوانان و محصلان اختصاص داده است تا نوشته های شان را جهت نشر ارسال دارند. و بتوانند از این طریق به نگارش و تحقیق و تدقیق بیشتری دست یابند. «اداره»

بحران امنیت در افغانستان

تاج الدین (سروش) دانشجوی رشته ژورنالیزم

قبل از اینکه عوامل بحران امنیت در افغانستان را ریشه یابی کنیم، در آغاز به صورت کوتاه می پردازیم به اینکه امنیت چیست؟

در یک سخن کوتاه "تمامیت سلامت جسمانی و روانی فرد یا افراد جامعه را امنیت گویند." امنیت خواست فطری عموم انسانها و نیاز فراگیر جامعه بشری است. امنیت با زندگی انسانها پیوند ناگسستنی دارد. کشتار، ترور، آدم ربایی، سرقت، غارت، تهدید، ارعاب، تهمت، توهین و ترور شخصیت، شیوه های گوناگون نقض امنیت فرد و جامعه است.

امنیت پدیدهٔ است که سبب رشد اقتصادی، تأمین و تمثیل دموکراسی، حاکمیت قانون، تأمین برابری و عدالت اجتماعی در یک جامعه می‌شود.

خوب حال بر می‌گردیم به کشور ما افغانستان، کشور که سه دهه جنگ را سپری کرده و در جریان این جنگ ها تمامی زیربناها و زیرساخت های آن از بین رفته است. زیاد به گذشته نمی رویم و شروع می‌کنیم از این که بعد از فروپاشی رژیم طالبان، در کنفرانس بن نظام جدید به کمک جامعهٔ جهانی روی کار آمد. جامعهٔ جهانی میلیاردها دالر به این کشور کمک کرد. بیست و هشت کشور عضو سازمان ناتو در افغانستان حضور نظامی پیدا کردند. بیش از یک صد هزار نیروی خارجی به هدف تأمین امنیت به افغانستان فرستاده شد. اردوی ملی، امنیت ملی و پولیس ملی افغانستان یکبار دیگر جان گرفت و به آن سرو سامان داده شد. در این مدت اردوی ملی و پولیس ملی از نظر کمیت نیز ارتقای قابل ملاحظهٔ داشته است.

اما با وجود این همه تلاش ها، چرا با گذشت هر روز بحران امنیت در حال گسترش است، این بحران خاصتاً بعد از سال (۲۰۰۵) م به صورت روزافزون گریبانگیر جامعهٔ جهانی، ناتو و مخصوصاً دولت و مردم افغانستان شده و عوامل عمده در چیست؟

در یک بررسی کلی می توان به این نتیجه رسید که بحران امنیت در افغانستان دو بُعد دارد: بُعد داخلی و بُعد خارجی.

بعد داخلی: در بُعد داخلی نبود یک حکومت واقعاً کارا، سوء استفاده های بزرگ از دارایی های ملت، عدم حسابدهی صادقانه و شفاف از سوی زمامداران دولتی و فُقدان یک حکومت که عاری از فساد باشد، از ویژگی های بعد داخلی بحران امنیت در کشور می باشد.

موجودیت فساد در ادارات دولتی- آنهم به شکل گسترده آن- یکی از عوامل عمدهٔ ناامنی در افغانستان است. کشت وسیع کوکنار در افغانستان یکی دیگر از عواملی می باشد که به استمرار ناامنی کمک کرده است.

پول که از این طریق به دست می آید، مستقیماً به جیب های تروریستان و دهشت افگنان می رود؛ چرا که کشت، قاچاق و ترافیک مواد مخدر، غذای مقوی مخالفان مسلح دولت افغانستان است و هم چنان یک نوع ایجاد کار کاذب برای افراد بیکار به شمار می رود. تا آنجایی که در بعضی مناطق، مردم به خاطر نبود کار برای به دست آوردن پول با مخالفان مسلح دولت می پیوندند.

گرچه مقامات دولتی مدعی اند که در بیست ولایت افغانستان کشت کوکنار به درجهٔ صفر تقلیل یافته، اما بنا بر گزارش رسانه های بین المللی و داخلی، هنوز افغانستان در صدر کشور های تولید کنندهٔ مواد مخدر قرار دارد.

دو ونیم میلیون نفر در افغانستان در حال حاضر بیکارند، که تعداد زیاد آن ها را جوانان و نوجوانان تشکیل می دهند. این تعداد ممکن است برای بقای زندگی خود و خانوادهٔ شان دست به هر کاری بزنند. این نیروی سرگردان برای سربازگیری طالبان و دهشت افگنان، افراد مناسبی به شمار می روند. نبود افراد مجرب، متخصص که لیاقت و کفایت کاری داشته باشد در بسیاری از ادارات دولتی سبب رشد فساد اداری- و به طبع آن- سبب دلسردی مردم از نظام حاکم گردیده است.

در طول نه سال گذشته، بیشتر بالای بلند بردن کمیت تاکید شده نه بالای کیفیت، که این خود باعث ضعیف شدن هر چه بیشتر دولت شده است. کورس های سه ماهه، شش ماهه و نه ماههٔ پولیس چگونه می‌تواند در وضع امنیتی کشور موثریت ایجاد کند، در حالی که نظام افغانستان به اشخاص صادق، کارا، مستعد و دلسوز نیاز دارد. استفاده نکردن از کدر های نظامی به صورت درست، نبود یک ستراتیژی مشخص و معین به خاطر تجهیز و تقویهٔ نیروهای امنیتی کشور، نبود یک تعریف معین و مشخص از منافع ملی کشور، عدم اعتماد بین مردم و ارگان های امنیتی، از دیگر عواملی می باشد که به ناامنی بیشتر در کشور کمک می کند.

در طول نه سال گذشته تغییر و تبدیل مهره های بازی در تختهٔ سیاست افغانستان نتوانسته است امنیت را در کشور به وجود آورد.

و بعد خارجی: ناامنی در افغانستان بیشتر به استراتیژی و تصامیم کشور های بزرگ بستگی دارد. چالش های امنیتی که امروز دامنگیر افغانستان شده است، بیشتر زادهٔ افکار جامعهٔ جهانی و همچنان نبود یک استراتیژی مشخص از سوی آنهاست. امریکا بعد از گذشت نه سال در افغانستان چیزی به نام "استراتیژی جدید" روی کاغذ طرح می کند.

عدم تفاهم و اقدام مشترک بین نیروهای داخلی و خارجی در جریان عملیات های نظامی و کشته شدن افراد ملکی در جریان این عملیات ها، خود سبب ایجاد فاصله بین مردم و دولت شده است. هرچند بین وزارت دفاع کشور و نیروهای خارجی تفاهم نامه ای مبنی بر هماهنگی بین نیروهای داخلی و خارجی در جریان عملیات های نظامی به تصویب رسید، اما باز هم عملیات های یک جانبه و بدون هم آهنگی نیروهای خارجی جریان دارد.

شاید یکی از دلایلی که این عملیات ها به صورت هم آهنگ صورت نمی گیرد، عدم اعتماد نیروهای خارجی بالای نیروهای داخلی باشد؛ چیزی که تا حالا رسماً اعلام نشده است.

توجه و تمرکز بیشتر جامعهٔ جهانی خاصتاً امریکا و بریتانیا در از بین بردن و مهار ساختن پایگاه ها، آموزشگاه ها و منابع مالی تروریستان در طول نه سال گذشته که در آن سوی مرز قرار دارند، از دیگر عواملیست که در ایجاد ناامنی در افغانستان نقش داشته است.

اگر به موارد ذکر شده توجه اساسی و صادقانه صورت گیرد، بدون شک مشکل بی امنی به مرور زمان حل خواهد شد. چیزی که متأسفانه تا حالا به آن توجهٔ اساسی و صادقانه صورت نگرفته است.



نقش کارهای جمعی در عرصه های زندگی

هوسی اکبری دانشجوی رشته ژورنالیزم

خداوند (ج) انسان را یک موجود اجتماعی خلق نموده است، بناءً تمام انسان ها نیاز دارند تا زندگی اجتماعی داشته باشند. همان گونه که در آیهٔ قرآن کریم ذکر شده، انسان ضعیف آفریده شده است و در بعضی کار ها نمی تواند که آنرا به تنهائی انجام دهد، پس ناچار طالب کمک از دیگران می شود. هدف از همکاری به مفهوم پیشبرد امور زندگی در یک تلاش هماهنگ میان دو یا سه شخص برای رسیدن به یک هدف مشخص می باشد. برای پی بردن بیشتر به قدرت کار های گروهی دو ویژگی آن را شرح می دهیم . یکی از آن ماهیت اقتصادی دارد و دیگر ماهیت روانی، ویژگی که هدف اقتصادی دارد مشخص است، هرکس می تواند با اشخاصی که از شعور و توانمندی کاری برخودار باشند همکاری کند با آن ها هماهنگ باشد و از توان آن ها بهره بجوید در این صورت هم به خود و هم به طرف مقابل کار کرده است.

همکاری با یک دیگر اساس همه موفقیت های بزرگ بوده است ولی درک مرحلهٔ روانی گروه همکار بسیار دشوار است.

شاید این عبارت شما را در درک موضوع کمک کند. زمانی که دو مغز در کنار هم قرار می گیرند درین صورت مغز سومی را با نیروی نا مریی و نا ملموس ایجاد می کنند که می تواند با مغز سومی در ارتباط باشد.

مثلاً اگر مغز انسان را با یک باطری مقایسه کنیم اشتباه نکرده ایم زیرا یک باطری برق کمتر تولید می کند ولی مجموعهٔ باطری های الکتریکی در مقایسه بایک باطری برق بیشتر تولید می کند هم چنان معلوم است که هر باطری با توجه به واحد و ظرفیت خود برق تولید می کند، مغز هم به عین شکل فعالیت می کند، بعضی مغزها در مقایسه با مغزهای دیگر فعال تر اند و در یک اصطکاک مثبت کنارهم قرار گرفته نتایج متوقعه به دست خواهند آمد.

چند مغز متفکر انرژی بیشتر را در مقایسه با یک مغز ساده تولید می کند. درست همان طوری که چند باطری بیش از یک باطری نیرو ایجاد می کند.

از این مطلب معلوم می گردد که اصل استفاده از نیروی همکاران بستگی به نیروی مغزی افرادی دارد که در کنار هم قرار می گیرند.

اشخاصی که به مدارج عالی شهرت و ثروت می رسند به تنهائی آن را به دست نمی آورند.

آندرو کارنگی که رئیس شرکت فولاد در امریکا بود گروه همکاران او را حدود ۵۰ نفر تشکیل می داد. کارنگی معتقد بود که همه قدرت او در نیروی جمع همکارانش خلاصه شده است. هنری فورد شخصی دیگری که در یک زمان از جمله غریب ترین اشخاص بوده وی در پهلوی اینکه یک شخص فقیر بود بیسواد هم بود ولی او چطور توانست که در مدت ۲۵ سال از جمله ثروت مند ترین مردان امریکا شود؟

او به تنهایی این مقدار سرمایه را به دست نیاورد، بلکه سرمایهٔ وی زمانی دو برابر گردید که با توماس ادیسون شریک شد، اشخاص عادت دارند که از طبیعت، عادت و نیروی فکری کسانی که با آن ها همکاری و همراهی می کنند بهره مند گردند، به همین گونه مهاتما گاندی مردی که با نام آن آشنا هستید او چطور توانست که استقلال هند را بدون اینکه خونی بر زمین بریزد بدست آورد؟

گاندی با بسیج ذهن و جسم بیش از ۲۰۰ میلیون و ایجاد هماهنگی در آن ها برای رسیدن به هدف مشخص به این نتیجهٔ مهم رسید. آیا گاندی کاری اعجاز گونه نکرد؟ واقعاً زیرا هماهنگ کردن ۲۰۰ میلیون انسان بدون جبر و زور برای تحقق هدف مشخص به راستی که کاری اعجاز گونه است. کار های گروهی در هر بخش سبب می شود تایک کار به صورت درست انجام گیرد اگر کسی به تنهائی یک کار را انجام دهد حتماً در آن نقصی وجود دارد ولی کار به طور مشترک از ارتکاب این اشتباهات جلوگیری می کند و همان طوریکه گفته اند عقل از عقل بالاست واقعاً هم که این سخن کاملا حقیقت دارد .

جنگ افغانستان

ناتو و روسیه را نسبت به هر زمان دیگر باهم نزدیک ساخته است

نذرالله عنایت

قضایای افغانستان طی سه دههٔ اخیر، خیلی از معادلات جهانی را برهم زده است. یکی از تغییرات اساسی را جع به این موضوع، چه در سطح منطقه و چه جهان رویکرد واگرایی تا همگرایی ناتو با روسیه می باشد. ناتو حدود یک سال است که بعد از یک دوره رویا رویی روی مسایل افغانستان همکاری های خود را با روسیه آغاز نموده است. توافق روسیه مبنی بر انتقال مواد لوژستیکی ناتو از خاک آن کشور به نیروهای مستقر در افغانستان نشانه های همکاری بیشتر این کشور با پیمان اتلانتیک شمالی می باشد.

در همین حال گزارش ها حاکی از آن است که روسیه برای تربیهٔ نیروی های امنیتی افغانستان مصمم شده است. چندی پیش یک مقام روسی مدعی شد که این کشور آماده نیست در چارچوب نیروهای بین المللی به افغانستان نیرو بفرستد، اما آماده است دسته هایی از نیروهای امنیتی کشور را در داخل خاک روسیه آموزش بدهد. در همین حال زمری بشری سخنگوی وزرات داخله در یک نشست خبری از خریداری اسلحه روسی خبر داد. وی در یک نشست خبری گفت: بر مبنای توافقات صورت گرفته، مقداری اسلحه از روسیه خریداری شده است که قسمت آن در دسترس پلیس ملی افغانستان قرار گرفته و متباقی آن در حال انتقال است. اما وی تعداد دقیق اسلحهٔ خریداری شده را از روسیه مشخص نساخت.

گفته می شود که ناتو توافق کرده است، برای تجهیز قوای هوایی افغانستان ۲۰ فروند چرخبال را از کشور روسیه خریداری نماید.

بر مبنای راهبرد های جدید ناتو در افغانستان، تقویت نیروهایی امنیتی کشور در صدر آجندای این سازمان قرار دارد. کما این که موضوع انتقال امنیت به نیروهای خودی تا سال ۲۰۱۴ مطرح است، بنا برآن غرب سعی دارد به هر نوعی که باشد مسؤولیت سنگین را از شانه های خود در جنگ که برایش هزینه بردار شده است کم نماید. نشست لیزبون که بر محور افغانستان چندی پیش در پرتگال تدویر یافت در آن اعضای سازمان ناتو، برای روسیه جایگاه ویژه قائل شدند. در آن نشست راسموسن دبیر کل ناتو ، روسیه را متحد راهبردی عنوان نمود و برهمکاری های دوامدار تأکید صورت گرفت.

نزدیکی ناتو با روسیه بر مبنای هر هدفی که باشد، برای افغانستان چه پیامدی دارد؟ نورالحق علومی کارشناس مسایل نظامی می گوید: من به عملکرد مثبت ناتو در افغانستان و منطقه باور ندارم، این سازمان همیشه کوشیده سلطهٔ خود را در منطقه داشته باشد، بنا بر آن ناتو از ترفند هایی استفاده می کند که برای بودنش در منطقه توجیه پذیر باشد.

از سوی دیگر همگرایی ناتو با روسیه در جنگ با تروریزم چیزی تازه یی نیست، به گفتهٔ علومی روسیه نه سال پیش، همکاری های خود را با ناتو اعلام کرده بود، اما این که نوع همکاری در این اواخر صفحه یی تازه بخود گرفته است، این رویکرد پیوند با اهدافی دارد که نا تو در منطقه آن را دنبال می کند.

داوود سلطان زوی نمایندهٔ مردم ولایت غزنی می گوید: نزدیکی افغانستان وشرکای آن با هر کشور دیگر باید بر اساس منافع ملی ما صورت بگیرد و افغانستان نباید میدان بازی های استخباراتی کشور های منطقه و جهان بوده باشد. به باور نمایندهٔ مردم غزنی، نزدیکی با کشور روسیه باید به اساس منافع ملی طرفین در یک بازی شفاف صورت بگیرد نه به اساس منافع کشور های عضو ناتو.

موقعیت جیوپولیتیک افغانستان همیشه برای قدرت های بزرگ از اهمیت بسزایی بر خوردار است.

رزمایش جنگ سرد و شکست بلاک شرق بر سر قضیه افغانستان دنیا را به سمت یک قطبی کشاند و پیمان اتلانتیک شمالی را برای مدتی یکه تاز میدان ساخت.

لگام گسیختگی امریکا و غرور فاتحان جنگ سرد، منجر به شعله ور شدن جنگ های دیگری در برخی از مناطق جهان به حصوص در خاور میانه گردید.

اما ظهور بازیگران جدید در روابط بین الملل وتغییرات ذهنی و عینی در جهان و جنگ فرسایشی در کشور، معادله را طور دیگری برهم زده و حتی دشمنان دیروز را به دوستان نزدیک تبدیل نموده است.

آزیتا رفعت نمایندهٔ مردم بادغیس می گوید: ما در منطقه یی زندگی می کنیم چهار اطراف ما را کشور های دارای سلاح هسته یی احاطه کرده و انتظار می رود که این کشورها به قدرت های منطقه یی تبدیل شوند.

به گفته خانم رفعت امریکا و ناتو تلاش دارد این قدرت ها را تحت کنترل و نظارت داشته باشد، و برای این راهکار افغانستان و حلقات پیرامونی برای کشورهای سلطه جواز اهمیت استراتیژیک بر خوردار است.

اگر این گفته ها را درست بدانیم، هنوز هم ناتو دنبال آن است، چگونه بتواند قدرت های خورد وکوچک را که از نظر آن ها محور شرارت محسوب می شوند با رویکرد های تازه زیر فشار شدید قرار دهد تا از بزرگ شدن آنها جلو گیری نماید.

نزدیکی روسیه در فضای...

روسیه دراز خواهد کرد.

امریکایی ها هم با درک این بازی ها، خواسته اند تا روسیه را مستقیماً شریک خود و در قضایای افغانستان دخیل نماید. تا کاری مخالف امیال و خواسته های شان (در خفا) انجام ندهند. یکی از همکاری روس ها، دست داشتن شان در از بین بردن فابریکهٔ مواد مخدر در ولایت ننگرهار، اثبات این مدعاست. که امریکایی ها پای روس ها را کشانیدند و آقای کرزی که اطلاعی از عملیات روس ها نداشت و هماهنگی شان از جانب ناتو صورت گرفته بود، واکنش نشان داد. و با صدور اعلامیه و با لحن تندی ابراز داشتند که: « اجرای چنین عملیات نقض صریح حاکمیت ملی افغانستان و در مخالفت با قوانین بین المللی قرار دارد.»

اما مقام های روسیه انتقاد شدید حامد کرزی از عملیات مشترک روسیه و ناتو بر مراکز تولید مواد مخدر در افغانستان را "غیرقابل درک" و "تعجب آور" خواندند.

وزیر خارجهٔ روسیه در این ارتباط گفته بود: « ما در جهت مبارزه با تروریزم و قاچاق مواد مخدر و هم چنان در مورد تقسیم اطلاعات و دسترسی معلومات دقیق که برای متوقف ساختن این هشدار ها موثر باشد، به توافق های دست یافته ایم.»

ایریک روبین، معاون سفیر امریکا در مسکو از این عملیات مشترک در افغانستان استقبال کرده گفته بود که آنها به تنهایی موفق نخواهند شد و این یک مرحلهء نخست است.

به گفتهٔ اقای روبین، بارک اوباما و دیمیتری مدویدیف رییس جمهور روسیه سال گذشته تاکید کرده بودند که ماموریت مشترک آنها برضد تولید و قاچاق مواد مخدر در افغانستان نباید تنها به یک ماموریت و گزارش دهی خلاصه شود، بلکه باید نتایج قناعت بخش به همراه داشته باشد.

قرار است آقای کرزی در آیندهٔ نزدیک سفری به روسیه داشته باشد و همکاری های آن کشور را در بخش های مختلف از جمله بازسازی جلب نماید.

بدین جهت، وزیر خارجهٔ افغانستان به مسکو سفری داشت و باهمتای خود در روسیه، روی چارچوب برنامه ریزی سفر آقای کرزی صحبت کردند.

هم چنان سفیر روسیه در کابل، در مصاحبه با بی بی سی گفته است که مطابق تفاهمنامهٔ نشست لیزبون، تعدادی هلیکوپتر (ام هفده) ساخت آن کشور را طور رایگان به افغانستان می دهند.

ملت افغانستان که در طی سه دهه سخت درد دیده اند و زجر کشیده اند، و تهداب این همه مصیبت هایی واردهٔ را ناشی از تجاوز روس ها و حمایت شان از گروهک های خلق و پرچم می دانند، از هر نوع کمک و مساعدت کشورهای دوست و همسایه استقبال می نماید، اما توقع دارند تا این همکاری و کمک ها شفاف و بدون انگیزه های سیاسی بوده باشد.

ختم دورهٔ کاری مجلس نمایندگان

و تنش ها در انتخابات جدید نمایندگان مجلس

م – ش

در کشورهایی که گام به سوی دموکراسی می گذارند، انتخابات و رفتن مردم واجد شرایط به پای صندوق های رأی تعیین کنندهٔ رئیس جمهور و نمایندگان شان در پارلمان می باشد. این پروسه در کشورما که تازه دموکراسی را تجربه می کند، با مداخلات داخلی و خارجی که وجود دارد، مردم را بی باور ساخته است.

در انتخابات دور دوم ریاست جمهوری شاهد بودیم که این پروسه به چه اندازه آسیب دید و مردم ما نگرانی شان را در راه اندازی این پروسه ابراز داشتند، صدای دهل تقلب و تخطی به سطح جهان گوش ها را کر ساخت، انتخابات به دور دوم رفت و در حالی که دایر نشد، دیدیم چه کسانی وارد میدان شدند و دست برندهٔ این بازی را بلند کردند که با چند روز سروصدا، آن پروسه به تاریخ پیوست. این بار در انتخابات دور دوم مجلس نمایندگان، باز دیده می شود که این پروسه را می خواهند به سوی بحران سوق دهند.

انتخابات دایر شد، کمیسیون های مستقل انتخابات و شکایات انتخاباتی وظایف شان را هر طوری که بود، انجام دادند. اما دغدغه های تقلب و تخطی سراسر کشور را فرا گرفته و زمینه ساز نا امنی و تظاهرات مردم در کشور گردیده است. هرگاه جلو آن گرفته نشود، وضعیت وخیم تری را در کشور به بحران رفتهٔ مان شاهد خواهیم بود.

بناءً بر گردانندگان موثر دولت افغانستان است تا بیش از این اجازه ندهند تا به این آتش دامن زده شود، بلکه کوشش شود در حل این پروسه نقطهٔ پایان گذارند.

درست است کسانی که در این پروسهٔ ملی تقلب و تخطی نموده اند، از طریق مراجع عدلی و قضایی کشور مورد بازپرس قرار گیرند، تا عبرتی در پروسه های بعدی باشد. نه این که به منظور خطای چند نفر کُل انتخابات زیر سوال برده شود، نگذاریم مردمی که با پذیرفتن تلف شدن جان شان این پروسه را رونق بخشیدید و با پای پیاده از راه های دور به پای صندوق های رأی شتافتند، مأیوس گردند و با مشاهدهٔ و شنیدن این عمل، بر خود و گردانندگان این حاکمیت لعنت بفرستند.

به تاریخ ۱۰ قوس سال جاری دوره ئی خدمت پنج سالهٔ مجلس نمایندگان پایان یافت. وظیفه حکومت بود تا در آخرین روز کار مجلس نمایندگان، با آن ها ملاقات تودیعی می نمود و بعد از آن مجلس نمایندگان جدید را که برای پنج سال دیگر از جانب مردم تعیین شده اند، افتتاح می کرد.

گرچه مردم و نمایندگان شان از دورهٔ پنج سال گذشتهٔ مجلس نمایندگان دِل خوش ندارند، زیرا در فیصله های این مجلس حکومت یکه تازی های خود را داشته است. و به فیصهٔ نمایندگان ملت وقعی نگذاشته، حتی قانون را آگاهانه و عقده مندانه زیر پا کرده است.

بر نمایندگان دور جدید است تا این بار همچون مجلس قبلی نگذارند، فیصله های شان زیر پا گردد، تصامیم شان باید قاطع و روی اجرای آن از قوت جمعی کار بگیرند.

هفته نامهٔ

وانان که در راه ما با جان ومال جهادکنند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می‌کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است.
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ سی ام ۱۳ قوس ۱۳۸۹ – ۲۷ ذوالحجه ۱۴۳۱ – 4December 2010

د افغانستان او پاکستان هیوادونو سوداگریز تړون ته یوه کتنه

نږدې دوه میاشتي وړاندې د ګاونډي هیواد پاکستان سره د هیواد د سوداګرۍ وزیر پدغه هیواد کي یو تړون لاسلیك کړی وو چي له مخي یـي د دواړو ګاونډیو هیوادونو ترانسپورتي وسیلي سوداګریز مالونه د افغانستان په شمال کي د منځنۍ اسیا د هیوادونو ترسرحده او د پاکستان په جنوب کي د کراچۍ تر بندره په آزادانه توګه تګ راتګ کولی شي او په همدې توګه د افغانستان لاړۍ کولای شي چي د هندوستان سره د واهګه تر بندره پورې د پاکستان په خاوره کي خپل مالونه انتقال کړي

دغه کار د ډیرو افغانانو د خوښۍ لامل شو: ځکه لـدې مخکي به افغاني مالونه لوړۍ د پاکستان سره په سرحد کي له لاریو خالي کیدل او بیا به د هندوستان سره په سرحد کي خالي کیدل چي له یوې خوا به د کرایې د ډیروالي او د بلې خوا د مالونو په انتقال کي د ډیرې مودې لګېدلو لامل ګرځیده.

د افغانستان د سوداګرۍ وزیر چي هغه مهال له خپل تړون څخه ډیر خوښ ښکاریده او په خپل دې کار سره یـي ویاړ کولو. د نوموړي د دغه اقدام افغاني سوداګرو او د سیمې دواړو خواو هیوادونو غټو لاریو لرونکو ډیر ښه هرکلی وکړ خو ددې تړون منفي اړخونه هغه مهال څرګند شو چي نږدې دوه اونۍ وړاندې رسنیو دغه خبر خپور کړ چي د افغانستان د سوداګرو

رفیق بحر

د مالونو ډکي لیارۍ له ډیرې اوږدې مودې راهیسې په کراچۍ کي ایسارې دي او د پاکستان دولت ورته د راتګ اجازه نه ورکوي چي لامله یې په پاکستان کي د افغانستان د سوداګرۍ د خونې مسؤول پدې کار نیوکه وکړه او د افغانستان له حکومت څخه یـي غوښتنه وکړه چي د پاکستاني سوداګرو د لاریو سره همداسې سلوك وکړي او پرینږدي چي د پاکستاني مالونو ډکي لاړۍ د منځنۍ آسیا د هیوادونو تر پولو پورې لاړې شي. د پاکستان دغه دریخ او تګ لاره هغه څه دي چي تل دغه ګاونډي هیواد زموږ د هیواد د خلکو سره خپل کړي دي او د یـو خپلواك هیواد په توګه ورسره تعامل نه کوي

د پاکستان د دولت سره د افغانستان دولت لخوا د سوداګرۍ او ترانسپورت په لړکي دغه تړون پداسې ورځو کي لاسلیك شوی وو چي په هغو ورځو کي د امریکا یـې چورلکو لخوا د یوې بمبارۍ په نتیجه کي ددغه هیواد د څو سرتیرو د وژل کیدو لامله د ناټو ځواکونو ته د کومکي موادو لیارۍ د کراچۍ څخه نیولي تر تورخم پولي پورې خاې پرخاې د نامعلومو (!) کسانو لخوا د دوه سوو په شاوخوا کي سوځول شوي وي او د تورخم لیاره د څو ورځو لپاره بنده وه خو د تړون سره سم دغه لیاړ بېرته خلاصه شوه چي د پاکستان د خوښۍ څرګندونکي وه.

دوه اونۍ وړاندې چي له یوې اوږدې مودې راهیسې د افغاني لاریو په کراچۍ کي د ایساریدو خبر خپور شو نو دا پوښتنه را اوچته شوه چي آخر ولي د افغانستان موټرونه په کراچۍ کي بند پاتې دي او د پاکستان د دولت لخوا ورته اجازه نه ورکول کیږي چي لامله یې د تړون په ابعادو او موادو نظر ایجاب کړ او ویلی کیږي چي دغه تړون د یوې څرګندې خلا لرونکې دی او هغه داسې چي تړون د یو لورې د لاریو د تګ اجازه ورکوي او د بېرته راتګ او ستنېدو اجازه نه ورکوي کوم کار چي د پاکستان په پرتله د افغانستان په حق له ګټې څخه زیان ډیر لري: ځکه هغه لارۍ چي پاکستاني مالونه د منځنۍ آسیا تر پولو رسوي چلونکي یـې او لرونکـي یـې ډیرې هغه خلك دي چي د قبایلي سیمو اوسیدونکو دي چي پښتو غږیږي او له کومې ستونزې سره نه مخ کیږي او ډیر یـې د افغانستان تابعیت لرونکي هم دي او ددې پر عکس بیا د افغاني لاریو چلونکي او هم اسناد یـې چي افغاني دي ـ نشي کولی په آزادانه توګه بېرته د مالونو راوړلو اجازت ولري نو ځکه ویلی شو که چېرې تړون یـو اړخیز وي نو یقیني ده چي د افغانستان په ګټه نده دا پداسې حال کي ده چي د پنجشنبې په ورځ د پاکستان د سوداګرۍ وزیر مخدوم امین فهیم وویلـې چي دغه تړون د پاکستان د وزیرانو د شورا لخوا په رسمي توګه تصویب شو

رخصتی روز پنجشنبه در شهر کابل

فیض

دو شنبهٔ هفتهٔ گذشته، شورای وزیران روزهای پنجشنبه را تا پایان سال ۱۳۸۹، تنها در مرکز کشور (کابل) رخصتی عمومی اعلام کرده است.

این تصمیم در حالی اتخاذ گردیده است که، رئیس ادارهٔ ملی حفاظت از محیط زیست با ارائهٔ گزارش خود به شورای وزیران، وضعیت محیط زیست در کابل را بد توصیف نموده و گشت و گذار بیش از حد وسایط، استفاده از مواد سوخت دودافزا در داش ها و کارخانه های کوچک و تولید زباله در این شهر، هوای این شهر را آلوده ساخته و درصد اکسیجن مورد نیاز در شهر کابل از حد مجاز پائین دانسته و ابراز نگرانی کرده است. این اداره هشدار داده است که هرگاه به این امر مهم و حیاتی توجه نشود، شاهد بیماری های خطرناک در شهر کابل خواهیم بود.

به گفتهٔ مقامات، این تصمیم کمک می کند تا در روزهای رخصتی تردد موتر ها در شهر کاهش یافته و از بیشتر شدن آلودگی هوا جلوگیری شود.

همچنان شورای وزیران از ساکنان شهر کابل تقاضا نموده است که بر علاوهٔ روزهای پنجشنبه و جمعه که رخصتی است در روز دوشنبه نیز از استفادهٔ غیر ضروری وسایط نقلیهٔ شان به خاطر بهتر شدن هوای کابل، خودداری نمایند.

افغانستان تا حالا تنها روزهای جمعه را در یک هفته تعطیل رسمی بوده است. باتوجه به اینکه شنبه و یک شنبه در بسیاری از کشورهای دیگر جهان تعطیل است.

در حال حاضر شمار زیادی از نهاد های بین المللی در افغانستان دفتر دارند، که تعطیل کردن پنجشنبه برکار این ادارات اثر منفی مستقیم و بیشتری خواهد گذاشت.

سال گذشته دولت طرحی را برای تصویب به پارلمان فرستاد که براساس آن تعطیلات هفتگی کشور به دو روز در هفته افزایش می یافت. دراین طرح دو روز (جمعه و شنبه) به عنوان روزهای رخصتی در هفته در نظر گرفته شده بود، که به تصویب شورای وزیران رسید. اما از جانب مجلس نمایندگان به تصویب نرسید. دور روز رخصتی در اکثر کشورهای اسلامی و غیر اسلامی جهت رسیدگی کارمندان دولت به امور روزمرهٔ زندگی شان رایج است

هجده کشور اسلامی در هفتهٔ دو روز رخصتی دارند که از این میان کشورهای مصر، مراکش، قطر، عربستان سعودی، امارات متحدهٔ عربی و بنگله دیش روزهای جمعه و شنبه را تعطیل اند، برخی دیگر شنبه و یک شنبه را و پاکستان کشور همسایهٔ نیمهٔ روز جمعه و روز یک شنبه رخصتی دارند.

گذشته از این که آلودگی هوا در نظر گرفته شده، و رخصتی روز پنجشنبه موقتی می باشد، دو روز رخصتی در یک هفته امر ضروری برای کارمندان پنداشته می شود تا بتوانند علاوه به امور دولتی به امور زندگی خود نیز رسیدگی نمایند.

در صورتی که بعداً رخصتی دور روزه در کشور در نظر گرفته شود باید مقام های کشور این را از یاد نبرند که، کشور ما با جهان و موسسات خارجی ارتباط کاری زیاد دارد که آن ها روزهای شنبه و یک شنبه رخصت هستند در صورت دوام، کشور ما چهار روز از ناحیهٔ کاری با جهان روابط اش قطع می شود.



❊ مصباح شعیب ❊

وزارت داخلهٔ افغانستان هفتهٔ گذشته اعلان نمود که، از جانب روسیه هزاران میل اسلحه در اختیار نیروی پولیس ملی افغانستان قرار داده شده است.

بنا به گفتهٔ سخنگوی وزارت داخله به رسانه ها، موافقتنامهٔ دریافت اسلحه از روسیه قبلاً به امضا رسیده بود و تاکنون هزاران میل اسلحه وارد افغانستان شده است. این موافقتنامه در هم آهنگی با ناتو و سایر نیروهای بین المللی صورت گرفته و تلاش صورت می گیرد تا اسلحه جدید در اختیار پولیس گذاشته شود.

سخنگوی وزارت داخله گفته است: «اکثریت این اسلحه به وزارت امور داخلهٔ افغانستان تسلیم داده شده، و اسلحه متباقی هم خواهد رسید. این چیزی است که قبلاً بالایش توافق شده بود، ناتو و کشور هایی که افغانستان را کمک می کنند همه در جریان هستند.»

روبرویی امریکا و اتحاد شوروی سابق بر می گردد در سال های قبل، زمانی که جهان دو قطبی بود و بر اثر تجاوز اتحاد شوروی سابق، مجاهدین که به خاطر ادای فریضهٔ الهی (جهاد) قیام نمودند، امریکا جهت تضعیف شوروی سابق، مجاهدین را مورد حمایت قرار داد که بالاخره با مقاومت مجاهدان، امپراطوری اتحاد شوروی از هم پاشید.

بعد از پیروزی مجاهدین در سال ۱۳۷۱، تشکیل دولت اسلامی، حاکمیت گروه طالبان، و بعد از آن ادارهٔ موقت و حکومت عبوری و انتخابی، نامی از روس ها و حمایت و همکاری شان در افغانستان برده نمی شد. حتی در دوره های دولت اسلامی و طالبان فشار بالای روس ها این بود تا در طول سال هایی که در افغانستان تجاوز کرده اند و این کشور را به ویرانه تبدیل ساختند، باید غرامت بپردازند.

گفته می شود، در سال های اخیر، آقای کرزی با کشورهای همسایه تماس برقرار نموده، که امریکا از این نزدیکی با همسایه ها، نگران اند. یکی از نگرانی ها که امریکایی ها به آن واکنش نشان دادند بسته های پول از جانب ایران به افغانستان بود که توسط روزنامهٔ نیویارک تایمز افشا گردید.

از هیچ کس پوشیده نیست، هر گاهی که آقای کرزی تحت فشار غرب به خصوص امریکا قرار می گیرد، تلویحاً بالای آن ها فشار وارد می کند، در صورتی که تجهیزات لازم داده نشود، اردو و پولیس ملی ما مجهز نشوند، از جای دیگری خود را اکمال خواهیم کرد. که این همان روسیه است، یعنی زمانی که دست اش به جانب غرب کوتاه بیاید، فوراً به سوی

ص۷